

بهره لسان الغیب از واگذار کردن امور به خدا

دکتر اسماعیل آذر ضمن تأکید بر تأثیر زندگی صنعتی بر قطع ارتباط انسان با منبع آرامش معتقد است: در چنین شرایطی حافظ می‌تواند اسوه، محور و دارو برای همه نگرانی‌های ما در عرصه‌های مختلف باشد.

دکتر اسماعیل آذر ضمن تأکید بر تأثیر زندگی صنعتی بر قطع ارتباط انسان با منبع آرامش معتقد است: در چنین شرایطی حافظ می‌تواند اسوه، محور و دارو برای همه نگرانی‌های ما در عرصه‌های مختلف باشد.

به گزارش خبرنگار مهر، بیست مهر در تقویم ملی کشور به عنوان یادروز حافظ نامگذاری شده، شاعری که ستاره‌ای تابناک در پیکره فرهنگ و ادب پارسی است با دکتر اسماعیل آذر به مناسبت یادروز حافظ به گفتگو نشستیم.

دکتر آذر معتقد است "زمانی که صنعت در جهان روی کار آمد، طبیعت را کنار زد و مسائل صنعت مثل اختراع برق جای طبیعت را گرفت. در گذشته وقتی چراغ طبیعت خاموش می‌شد به معنی این بود که باید می‌خوابیدیم یا با روشن شدن چراغ طبیعت یا همان طلوع خورشید در می‌یافتیم که باید بیدار شویم اما با پدیدار شدن صنعت، شکل زندگی‌ها تغییر کرد و افسردگی پیش آمد، اگرچه صنعت نیز توانست خدماتی را به بشر عرضه کند."

این محقق و نویسنده معتقد است چنین روزگاری سبب می‌شود که ما نتوانیم با طبیعت خودمان ارتباط برقرار کنیم و چنین روندی در ذهن ما نیز تأثیر گذاشته است و این تأثیرپذیری سبب شد انسان تا امروز آنگونه که باید راه به آسمان‌ها نیابد و منابع آرامش و ذخائر شادمانی خود را به دست باد سپرده است.

* آقای دکتر در این شرایط زندگی، نقش حافظ چه می‌تواند باشد؟

در زمانی که چنین شرایطی وجود دارد حافظ می‌تواند اسوه، محور و دارو برای همه نگرانی‌های ما در عرصه‌های مختلف باشد. نمی‌دانم چرا بشر امروز لطف خدا را فراموش کرده، نمی‌دانم چرا راه خود را به آسمان سد کرده و به جایی که دل خود را به وسعت دریا کند، خانه خود را، زمین خود را و چراغ بالای سر خود را و ابزاری که باید بگذارد و برود اینها را بزرگ می‌کند و به قول عارف بزرگ قرن چهارم که می‌گفت "نمی‌دانم چرا انسان خانه‌ای می‌سازد که هر لحظه از آن دور می‌شود و خانه‌ای نمی‌سازد که خانه دوم باشد و آرامش انسان را تأمین کند." بنابراین حافظ در این روزگار نه تنها به درد می‌خورد بلکه می‌تواند یک محور در زندگی انسانها باشد.

دلیل چنین تأثیرگذاری‌ای در آثار حافظ را چه می‌دانید؟

این امر به دلیل این است که قرآن مجید در متن دیوان حافظ وجود دارد، حافظ مفاهیم قرآن را به گونه‌ای هنری مطرح می‌کند. حافظ در متن غزل‌هایش تجربه خود را به بشر اعلام می‌کند و اینکه تجربه‌های او به خداوند وصل است و دلیل ماندگاری حافظ نیز همین است که هرچه به خدا وصل شود، می‌ماند.

او سعی می‌کند راه آسمان‌ها را به سوی انسان‌ها باز کند، همین کار که مولانا جلال الدین بلخی می‌کرد.

آقای دکتر آیا اندیشه‌ها و آثار حافظ برای انسان هزار سال دیگر نیز محوریت و تأثیر دارد؟

حافظ را نه هزار سال دیگر بلکه هزاران سال دیگر نیز هرکس مورد مطالعه قرار دهد، مزه او را خواهد چشید. دلیل این موضوع نیز این است که در دیوان حافظ زمان و مکان وجود ندارد.

همه عالم چه انسان و چه غیرانسان زمان بر آن می‌گذرد و زمان بر همه عالم تأثیر می‌گذرد جز خداوند، برای اینکه ازلی و ابدی است و چون شعر حافظ نیز به خداوند وصل است پس زمان و مکان را بر نمی‌تابد و ازلی و ابدی خواهد بود و به بیان دیگر لازمانی و لامکانی است و وقتی چیزی دستخوش زمان نشود جاودان می‌ماند.

حافظ از قانون "واگذار کردن امور به خدا" بهره گرفت و شعر، کلام و اندیشه خود را با پیوند با خدای بزرگ، جاودانه کرد.

* شعر حافظ بر دنیای غرب هم تأثیر داشته است؟

اگر بنا باشد در مورد تأثیر شعر حافظ صحبت کنیم آیین آن کتاب شرقی و غربی گوته است. ضمن اینکه ترجمه "هردر" در سال 1812 که جزو نخستین ترجمه‌های حافظ به زبان آلمانی بود بسیار مورد توجه قرار گرفت. همچنین ویلیام جونز نیز غزلیاتی از حافظ را به فرانسه ترجمه کرده است.

.....

گفتگو: هژیر فتحی